

## مبانی «گزینش» و «نظارت بر انتخابات»

سیداحمد مرتضایی

(دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناس ارشد حقوق عمومی)

### چکیده

در تشکیل هر حکومتی، ارکانی همچون سرزمین و نیروهای انسانی نقش اساسی دارند. از میان ارکان تشکیل‌دهنده حکومت، رکن اصلی به طور عام، نیروهای انسانی و به طور خاص، زمام‌داران، کارگزاران و کارمندان ادارات، نهادها و سازمان‌های آن است. در هر نظامی، با توجه به مبانی و اهداف خاص آن، گزینش و انتخاب و نظارت بر انتخابات، متفاوت است. در نظام اسلامی، که مبتنی بر مبانی و اهداف الهی است، گزینش و انتخاب و نظارت بر انتخابات نیز بر اساس همان اهداف و مبانی صورت می‌گیرد. بنابراین مبانی، مناصب و مشاغل حکومتی امانت محسوب می‌شوند. از این رو، باید امانت‌ها را تنها به افراد امین سپرد. تفاوت و نابرابری ذاتی و اکتسابی انسان‌ها نیز مقتضی گزینش و انتخاب برترین‌ها برای تصدی مشاغل و مناصب حکومتی است. مناصب و مسئولیت‌ها نیز متفاوت و نابرابرند. به همین دلیل، برای تصدی هر یک، باید شرایطی متناسب با آن تعیین و تنها واجدان آن شرایط را گزینش و انتخاب نمود. علاوه بر این مبانی، در متون دینی دستورات صریح و روشنی در خصوص گزینش و انتخاب وارد شده است. بر این اساس، گزینش و انتخاب یک تکلیف دینی محسوب می‌شود. انتخاب و گزینش خداوند متعال و معصومان علیهم‌السلام مبانی دیگری برای انتخاب زمام‌داران و کارگزاران است.

در این نوشتار، پس از طرح هفت مبانی مشترک «گزینش» و «نظارت بر انتخاب و انتخابات»، مبانی اختصاصی آن یعنی نظارت کامل خداوند بررسی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: مبانی، گزینش، انتخاب، نظارت، زمام‌داران، کارگزاران.

## مقدمه

در هر نظامی، تصدّی مناصب و مقامات حکومتی و پذیرش مسئولیت، بر اساس مبانی و اهداف آن نظام است. حکومت اسلامی نیز مبتنی بر مبانی و اهداف خاصی است که با دیگر نظام‌های سیاسی متفاوت است و گزینش و انتخاب و نظارت بر انتخابات بر اساس آن صورت می‌گیرد.

در جهان‌بینی اسلامی، ولایت و حاکمیت به خالق متعال و مالک هستی اختصاص دارد و اصل بر ولایت خداوند متعال است و در نتیجه، هر ولایتی غیر آن باید با دلیل و بر اساس ولایت الهی، و مأذون از سوی خداوند متعال باشد. بنابراین، مشروعیت ولایت و حکومت غیر خداوند مشروط به رعایت سلسله مراتب طولی و وجود شرایط ولایت و حکومت است. به همین دلیل، در حکومت اسلامی، حاکمان و کارگزاران حکومتی باید بر اساس مبانی و اهداف خاص اسلامی، دارای شرایط ویژه اعتقادی، اخلاقی و علمی باشند تا مجاز به اعمال ولایت گردند. بر این اساس، بدون وجود آن شرایط، کسی حق و صلاحیت تصدّی هیچ مقام و مسئولیتی در نظام اسلامی ندارد و در صورت تصدّی بدون شرایط، متصدی غاصب به شمار می‌رود. علاوه بر این، بدون واجدان این شرایط، نظام اسلامی به اهداف عالی خود نمی‌رسد.

از دیدگاه اسلام، برخی شرایط عام و وجود آنها در تمام مناصب لازم است. اما علاوه بر شرایط عمومی، هر منصبی متناسب با ماهیت آن، شرایط ویژه‌ای لازم دارد؛ زیرا بدون نیروی انسانی واجد شرایط و شایسته، حتی با فراوانی امکانات، نمی‌توان به اهداف رسید و نیروهای ناصالح موجب هدر دادن تمام امکانات و فرصت‌ها می‌شوند.

بنابراین، برای رسیدن به اهداف سازمانی و تعیین شده و برای ایجاد تحوّل و اصلاح امور، باید از میان نیروهای انسانی صالح و شایسته، با حاکمیت عادلانه قانون و با نظارت دقیق و بی‌طرفانه و نفی روابط شخصی و فامیل‌سالاری، برترین‌ها به عنوان زمامدار و کارگزار، انتخاب و گزینش شوند.

با توجه به مبانی و منابع اسلامی، اصل انتخاب و گزینش کارگزاران و نظارت بر انتخاب آنان با ادله متعدد و متفاوتی اثبات می‌شود.

## ۱. امانت بودن منصب و مسئولیت

دیدگاه اسلام درباره مناصب و مسئولیت‌های حکومتی، دیدگاهی تکلیف‌محور است، اما در مکاتب مادی و در ادیان تحریف شده، مسئولیت‌های اجتماعی و حکومتی را حق انسان‌ها می‌دانند و محدودیت آن را تضييع حقوق انسانی می‌شمارند. از دیدگاه اسلام، امامت، رهبری، منصب و مسئولیت حکومتی یک امانت است و طبق دستور صریح خداوند متعال، امانت‌ها را باید به شایستگان و صاحبان آنها سپرد:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾

(نساء: ۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که

امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید.

همان‌گونه که حفاظت از امانت یک واجب عقلی و شرعی است، واگذاری و انتقال امانت به صاحب آن نیز واجب دیگری است و این واگذاری جز با شناسایی افراد امین ممکن نیست. از این‌رو، شناسایی کامل افراد و تشخیص دقیق امین و احراز امانت‌داری یک تکلیف عقلی و شرعی است و تا امانت‌داری و صلاحیت

أمانة»؛<sup>(۳)</sup> پست فرمان‌داری برایت وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن توست، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی. حق نداری نسبت به رعیت استبداد بورزی و بدون دستور، به کار مهمی اقدام نمایی.

از این دستور امام علیه السلام استفاده می‌شود که بر خلاف بسیاری از مکاتب انسانی، که هدف اصلی‌شان از حکومت، مادی و اقتصادی است، در اسلام، این هدف نهایی نیست و ثروت و اقتصاد تنها به عنوان ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن انسان به سعادت محسوب می‌شود. از این رو، نباید کسی را که به دنبال اهداف مادی است، برای واگذاری مسئولیت انتخاب نمود، بلکه کسانی باید انتخاب شوند که به امانت بودن مناصب حکومتی اعتقاد داشته باشند.

حضرت علی علیه السلام خطاب به یکی از کارگزاران خود دربارهٔ آثار خیانت در امانت فرمودند:

کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت، خوارتر و رسواتر خواهد بود؛ و قطعاً بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت، و رسواترین دغل‌کاری، دغل‌بازی با امامان است. بدرود.<sup>(۴)</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام با نظارت دقیق بر امانت‌ها، بررسی و پی‌گیری گزارش‌های ناظران و برخورد قاطع با متخلفان، خطاب به یکی از کارگزاران خود دربارهٔ خیانت در امانت می‌فرماید:

از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده، و امام خود را نافرمانی، و در امانت خود خیانت کرده‌ای. به من

اشخاص احراز نشود، نباید امانت و مسئولیت را به آنها واگذار نمود و در صورت عدم احراز صلاحیت، واگذاری مسئولیت به ناصالحان و ناهلان، خلاف عقل و شرع محسوب می‌گردد.

عَلَّامَه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

جای این ایراد نیست که کسی بگوید: لفظ امانت و حکم، ظاهر در امانت‌های مالی، و حکم در اختلافات مادی است؛ زیرا وقتی در مرحلهٔ تشریح گفته شود: امانت را به صاحبش برسانید، و بین دو نفر که اختلاف دارند به عدالت حکم کنید این معنا به ذهن شنونده تبادر می‌کند که منظور از امانت، امانت مالی، و منظور از داوری هم داوری در اختلافات مالی است، برای اینکه تشریح وقتی مطلق شد مقید به موضوعات احکام فرعی فقهی نمی‌شود، بلکه وقتی مثلاً قرآن کریم به طور مطلق می‌فرماید: رد امانت واجب است، و یا به طور مطلق می‌فرماید حکم به عدل واجب است، از این دو مطلق هر موضوعی که مربوط به فقه باشد حکم مناسب خود را می‌گیرد، و هر موضوعی که مربوط به اصول معارف باشد آن نیز حکم خود را می‌گیرد، و همچنین هر فن دیگری از معارف دینی حکم مناسب خود را می‌گیرد.<sup>(۱)</sup>

آیهٔ شریفه دربارهٔ مطلق حکم نازل شده، دستور می‌دهد هر حقی را به صاحبش بدهید، و قهراً بر مسئلهٔ امامت هم منطبق می‌گردد.<sup>(۲)</sup>

امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، دربارهٔ امانت بودن مسئولیت فرمودند:

«وَإِنَّ عَمَلَك لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ

۲. عدم تساوی در قابلیت‌ها و شایستگی‌ها و برتری برخی انسان‌ها بر برخی دیگر  
 خداوند متعال انسان‌ها را به لحاظ استعدادها و توانایی‌ها، متفاوت آفریده است، چنان‌که افراد به لحاظ ویژگی‌های اکسبابی نیز مختلفند. به همین دلیل، خداوند علیم در موارد متعددی به عدم تساوی انسان‌ها تصریح نموده است. در این نوشتار، به برخی از این نابرابری‌ها و برتری‌ها اشاره می‌شود:

۱. ایمان و اعتقاد و عمل بر اساس باورها و اعتقادات، مبنای ریشه‌بسیاری از نابرابری‌ها و تفاوت‌هاست؛ زیرا کسی که التزام به احکام اسلام نداشته باشد مؤمن نیست و کسی که مؤمن نباشد فاسق است و هیچ‌گاه فاسق حتی با وجود برتری‌های دیگر، نمی‌تواند مورد اعتماد باشد. بنابراین، از موارد مهم نابرابری و عدم تساوی انسان‌ها، مؤمن و فاسق بودن آنهاست. خداوند متعال به این تفاوت مهم تصریح نموده است:

«أَقْمَنَ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ»

(سجده: ۱۸)؛ آیا کسی که با ایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند.

۲. برخی از ویژگی‌های انسان‌ها که آنها را از همدیگر متمایز می‌سازد صفات اخلاقی و روحی آنهاست. آنها که خود را از ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها پیراسته‌اند، متخلّق به اخلاق الهی شده‌اند؛ اما آنان که گرفتار دام‌های شیطانی گشته و دچار رذایل اخلاقی شده‌اند، از انسانیت و مقام والای انسانی فاصله گرفته و متصف به صفات و ویژگی‌های حیوانی می‌شوند. خداوند متعال درباره این نابرابری می‌فرماید:

«قُلْ لَّا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ» (مائده: ۱۰۰)؛

بگو (هیچ‌گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند.

خبر رسیده است که کشت زمین‌ها را برداشته، و آنچه را می‌توانستی گرفته‌ای، و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حساب‌رسی خداوند از حساب‌رسی مردم سخت‌تر است. بدرود.

بنابراین، اولاً، از دیدگاه اسلام، مناصب و مسئولیت‌های حکومتی امانت محسوب می‌شوند.

ثانیاً، یکی از مشخصه‌های امانت، موقت بودن آن است و امانت‌دار نباید خود را مالک امانت بپندارد، بلکه باید محدودیت زمانی را مدنظر داشته باشد تا به امانت دل‌بستگی نداشته باشد که در صورت لزوم، در انتقال و واگذاری آن به شایسته‌تر و اهل آن، بدون تعلق و تعلّل موفق شود.

ثالثاً، امین دارای شرایط ویژه اعتقادی و اخلاقی است و به سبب این شرایط و صفات، مورد اعتماد و امین مردم قرار می‌گیرد و در واقع، بدون این شرایط، صلاحیت امانت‌داری ندارد. از این‌رو، باید پیش از پذیرش امانت، این شرایط برای امانت‌دهنده احراز شوند؛ یعنی باید امین، شناسایی و امانت‌داری او در ابتدای واگذاری امانت احراز شود.

رابعاً، همان‌گونه که امانت‌داری برای واگذاری و انتقال امانت لازم است، تداوم امانت‌داری نیز لازم است و پس از واگذاری مسئولیت، یعنی هنگامی که امانت در دست آنان است، همچنان باید از شرایط ویژه امین برخوردار باشند تا از سوء استفاده از امانت جلوگیری و در صورت تخلف و خیانت در امانت، با متخلف برخورد و امانت از او پس گرفته شود. به عبارت دیگر، هم نظارت پیشینی و احراز شرایط و هم نظارت مستمر بر عملکرد لازم است.

دیگران اولویت دارند. به همین دلیل، سابقه حضور در جبهه یکی از امتیازات و برتری‌ها و مورد تصریح و تأکید خداوند متعال قرار گرفته است:

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء: ۹۵)؛ (هرگز) افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد باز نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند. خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد کردند، بر قاعدان [= ترک‌کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده و به هر یک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان)، وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.

۵. موقعیت زمانی انجام عمل انسان نیز مهم و سرنوشت‌ساز است؛ زیرا در موقعیت حساس و مورد نیازی همچون زمان جنگ، عمل انسان نسبت به زمان صلح و آرامش، ارزشمندتر است و موجب تفاوت و برتری انسان‌ها می‌گردد:

﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا﴾ (حدید: ۱۰)؛ کسانی که پیش از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلند مقام‌تر از کسانی هستند که پس از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند.

در میان صفات اخلاقی، تقوا و پرهیزگاری از همه مهم‌تر و ملاک برتری انسان‌هاست؛ زیرا خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳)؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. ۳. علم و تخصص یکی از تفاوت‌های اصلی انسان‌هاست که امروزه با عناوین گوناگونی همچون «اجتهاد» و «اسلام‌شناسی» و یا مدارک تحصیلی در مقاطع گوناگون دانشگاهی مطرح می‌شود و موجب برتری‌ها و امتیازهای بسیاری شده است. از این رو، نوع تخصص و میزان و رتبه آن در پذیرش و اعطای مناصب و مسئولیت‌ها متفاوت است؛ ولی اصل دانش و آگاهی به عنوان یک نیاز عمومی، در تمام موارد لازم است و خداوند علیم این برتری مهم را در قرآن کریم بیان نموده است:

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۹)؛ بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند.

۴. سابقه افراد، به ویژه سابقه مبارزه و جهاد، از موارد برتری انسان‌ها بر یکدیگر است؛ زیرا در کارزار جنگ، ویژگی‌هایی همچون اعتقاد، ایمان، شجاعت و توانایی انسان‌ها شناخته می‌شود و کسانی که در این امر مهم و پرخطر شرکت نموده‌اند، توانایی، شایستگی و برتری خود را برای بسیاری از امور دیگر به اثبات رسانده‌اند. دوران هشت سال دفاع مقدس، امتحان بزرگی برای شناسایی مؤمنان واقعی و مدعیان و ظاهرنمایان بود و کسانی که در این پیکار عظیم اسلام و کفر شرکت نمودند، برتری و تعهد و وفای خود را ثابت نموده و نسبت به

۶. خداوند متعال انبیا و فرستادگان خود را نیز نسبت  
همدیگر مساوی نمی‌داند و برخی را نسبت به برخی  
دیگر برتری بخشیده است:

﴿وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾ (اسراء):

۵۵؛ ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری  
دادیم.

و در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مِنْ

كَلِمَ اللَّهِ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ

مَرْيَمَ الْبَنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ﴾ (بقره: ۲۵۳)؛

بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری

دادیم؛ برخی از آنها، خدا با او سخن گفت، و بعضی

را درجاتی برتر داد، و به عیسی بن مریم نشانه‌های

روشن دادیم و او را با روح القدس تأیید نمودیم.

در آیه دیگری، اولویت پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بیان

می‌فرماید:

﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ (احزاب: ۶)؛

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.

۷. انسان‌ها از دو جنس متفاوت زن و مرد آفریده شده

و به اقتضای طبیعت و خلقتشان، ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی

با هم دارند. به همین دلیل، خداوند مردان را مسئول و

سرپرست زنان قرار داده است:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَىٰ النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ

بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ (نساء):

۳۴؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر

برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای

بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به

خاطر اتفاق‌هایی که از اموالشان (در حق زنان)

می‌کنند.

۸. تلاش و کوشش انسان‌ها در زمینه‌های گوناگونی

موجب تفاوت آنها می‌شود و به دلیل آثار عملکرد

انسان‌ها، در آخرت نیز این تفاوت وجود خواهد داشت:

﴿انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِالْآخِرَةِ

أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا﴾ (اسراء: ۲۱)؛ بین

چگونه بعضی را (در دنیا به خاطر تلاششان) بر

بعضی دیگر برتری بخشیده‌ایم. درجات آخرت و

برتری‌هایش، از این هم بیشتر است.

خداوند متعال درباره نامساوی بودن و نابرابری

اخروی انسان‌ها که نتیجه تفاوت عملکرد دنیوی است،

می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (حشر: ۲۰)؛ هرگز

دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند؛ اصحاب بهشت

رستگار و پیروزند.

۹. برخی تفاوت‌ها لازمه زندگی انسان است و بدون

آنها، نه نسل انسان باقی می‌ماند و نه شناسایی انسان‌ها

ممکن خواهد بود:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (حجرات: ۱۳)؛

ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و

شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را

شناسید.

۱۰. برخی تفاوت‌ها لازمه زندگی اجتماعی انسان و

تشکیل حکومت است. اگر تمام انسان‌ها از تمام جهات

مساوی بودند، در زندگی اجتماعی و تشکیل حکومت و

تأمین نیازهای گوناگون مشکلات غیرقابل حلی ایجاد

می‌شدند؛ زیرا هیچ‌کس حاضر به تأمین نیازهای کوچک و

تصدی مشاغل کم‌اهمیت نمی‌شد و آنها را خلاف شأن

تصدی نابجای ظاهر سازان و ناهلان جلوگیری کرد و شایسته‌ترین و مناسب‌ترین افراد را انتخاب و گزینش نمود.

در خاتمه موضوع عدم تساوی و نابرابری، توضیح مختصری درباره «تفاوت»، «تبعیض» و «عدالت»، لازم است. بی‌توجهی به تفاوت‌ها و نابرابری‌ها و یکسان دیدن انسان‌ها، چه از سوی خداوند و چه از سوی انسان، با عدالت سازگار نیست؛ زیرا یکسان دیدن انسان‌ها، مانند نمره مساوی به همه دانش‌آموزان دادن صرف‌نظر از میزان استحقاق آنها، و یا نسخه مساوی برای همه بیماران نوشتن، ناعادلانه و بی‌توجهی به تفاوت انسان‌ها در موارد گوناگون است و اساساً عدالت با برابری یکسان نیست و نمی‌توان گفت همواره «عدالت» به معنای برابری است؛ زیرا گاهی متفاوت دیدن، عین عدالت است.

آیه‌الله شهید مرتضی مطهری در تبیین «تفاوت» و «تبعیض» می‌فرماید:

آنچه در خلقت وجود دارد تفاوت است، نه تبعیض. «تبعیض» آن است که در شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان، بین اشیا فرق گذاشته شود، ولی «تفاوت» آن است که در شرایط نامساوی، فرق گذاشته شود. به عبارت دیگر، تبعیض از ناحیه دهنده است و تفاوت، مربوط به گیرنده.<sup>(۶)</sup>

شهید مطهری خلاصه بخش تبعیض‌ها را در چند جمله بیان می‌فرماید:

۱. جهان هستی با یک سلسله نظامات و قوانین ذاتی و لایتغیر اداره می‌شود و به موجب آن، هر شیء و هر پدیده، مقام و مرتبه و موقع خاصی دارد؛ تغییر و تبدیل را در آن راه نیست.
۲. لازمه نظام داشتن هستی، وجود مراتب مختلف

خود می‌پنداشت و در نتیجه، بسیاری از نیازهای انسان برآورده نمی‌شد و برای تصدی مناصب مهم و حکومتی نیز اختلاف و تعارض ایجاد می‌شد و هیچ‌کس از دستور دیگری اطاعت نمی‌کرد. بنابراین، نابرابری و برتری برخی انسان‌ها موجب تشکیل جامعه و تأمین نیازهای گوناگون در مشاغل متفاوت انسان‌ها و اداره جامعه با سلسله مراتب مدیریتی می‌شود. خداوند حکیم در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا﴾ (زخرف: ۳۲)؛ بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مستخر کنند (و با هم تعاون نمایند).

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

کثرت حوایج انسان در زندگی دنیا، آن قدر زیاد است که فرد فرد انسان‌ها نمی‌توانند همه آنها را در زندگی فردی خود، برآورده نمایند و مجبورند که به طور اجتماعی زندگی کنند و از این‌روست که اولاً، بعضی بعضی دیگر را به خدمت خود می‌گیرند و از آنان استفاده می‌نمایند؛ و ثانیاً، اساس زندگی را تعاون و معاضدت یکدیگر قرار می‌دهند.<sup>(۵)</sup>

بنابراین، تفاوت و نابرابری لازمه زندگی مادی است و برخی از این نابرابری‌ها ذاتی؛ اما بسیاری دیگر اکتسابی است و در هر صورت، از عدم تساوی نتیجه می‌گیریم که با توجه به نابرابری‌ها و توانایی‌های گوناگون، هر انسانی توانایی انجام هر کاری را ندارد و باید متناسب با توانایی افراد، آنها را برای تصدی امور حکومتی گزینش و انتخاب نمود. علاوه بر این، انتصاب و انتخاب متناسب با توانایی و شایستگی افراد، نیازمند نظارت دقیق به وسیله ناظران مستقل و بی‌طرف است و تنها با نظارت کامل، می‌توان از

لازمه طبیعی تعیین شرایط، نظارت بر وجود و حتی استمرار آنهاست.

در اسلام، به طور کلی دو نوع شرایط وجود دارد:

الف. شرایط عمومی: یعنی شرایط کلی و عمومی که تمام کارگزاران حکومت بدون توجه به نوع و ماهیت کار، باید در حد مشخصی از آنها برخوردار باشند؛ یعنی اصل و نه میزان آن، در تمام مقامات و مناصب حکومت باید وجود داشته باشد؛ مانند شرایط اعتقادی، اخلاقی، علمی (تخصصی)، مدیریتی (تجربه و توانایی).

ب. شرایط اختصاصی: علاوه بر شرایط عمومی، شرایط متفاوتی متناسب با نوع و ماهیت کار لازم است؛ مانند شرایط اختصاصی مقامات اداری، قضایی، نظامی، مالی، نظارتی و مشورتی.

میزان و شدت و ضعف شرایط عمومی در مناصب، متفاوت است و در واقع، کیفیت شرایط عمومی، خود از شرایط اختصاصی است که به تناسب مناصب، متفاوت می شود؛ مثلاً، میزان عدالت و تقوایی که برای رهبری لازم است، در سایر مناصب لازم نیست.

در این قسمت، در حد تبیین اثبات تناسب شرایط با مسئولیت‌ها، به طور خلاصه، برخی از شرایط بیان می شود:

#### الف. امام و رهبر

مهم‌ترین منصب و مقام در هر حکومتی، امامت و رهبری آن است. این جایگاه آن قدر مهم و حساس و شرایط آن، آن قدر زیاد و دقیق است که واجدان شرایط و شایستگان آن بسیار معدودند. اولین شرط رهبری در اسلام، اعتقاد و ایمان به خداوند متعال و در نتیجه، نفی سلطه کافران بر مؤمنان است:

و درجات متفاوت برای هستی است و همین مطلب منشأ پیدایش تفاوت‌ها و اختلاف‌ها و پیدایش نیستی‌ها و نقص‌هاست.

۳. تفاوت و اختلاف آفریده نمی‌شود، بلکه لازمه ذاتی آفریدگان می‌باشد، و این پندار خطاست که کسی گمان کند آفریدگار ما بین موجودات، تبعیضی روا داشته است.

۴. آنچه نقض بر عدالت یا حکمت می‌تواند باشد تبعیض است، نه تفاوت، و آنچه در جهان وجود دارد تفاوت است، نه تبعیض.<sup>(۷)</sup>

#### ۳. تعیین شرایط متناسب با مسئولیت‌ها

جامعه و مدیریت آن نیازمند مناصب و مشاغل متفاوتی است که از ریاست و رهبری جامعه تا کمترین مشاغل آن، از نیازهای اجتماعی و ضروری هر حکومتی محسوب می‌شوند؛ یعنی به طور طبیعی، میان مناصب و مشاغل، تفاوت‌های بسیاری وجود دارند و هر یک به تناسب وظایف و اختیارات آن، شرایطی متناسب و ویژه لازم دارد. بنابراین، برای تصدی هر یک، باید شرایطی متناسب با آن تعیین نمود.

به عبارت دیگر، با توجه به عدم تساوی انسان‌ها، که هر انسانی دارای توانایی‌ها و صفات ویژه‌ای است، و با توجه به مناصب و مسئولیت‌های متفاوت، که هر یک شرایط و توانایی خاصی لازم دارد، این نتیجه به دست می‌آید که برای هر منصب و مسئولیتی باید شرایطی متناسب با آن تعیین بر وجود این شرایط نظارت شود و تا زمانی که وجود شرایط احراز نشود، نباید این مناصب را به کسی واگذار نمود؛ زیرا هر کسی نمی‌تواند هر کاری را انجام دهد؛ یعنی صلاحیت انجام آن را ندارد. در واقع،



حکومت نیاز دارد و بر اساس شرایطی آنها را انتخاب می‌کند. برخی از این شرایط را امیرمؤمنان علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه تعیین نموده است:

«وَتَوْحُّ مِنْهُمْ أَهْلَ الشَّجَرِيَّةِ وَالْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمَتَّقِمَةَ...»؛  
کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و باحیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن؛ زیرا اخلاقشان گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع‌ورزی‌شان کمتر و آینده‌نگری‌شان بیشتر است.

برخی از این کارگزاران، نویسندگان و تنظیم‌کنندگان قراردادها هستند. امیرمؤمنان علیه السلام درباره شرایط آنها می‌فرماید:

«ثُمَّ انظُرْ فِي حَالِ كُتَّابِكَ، قَوْلٌ عَلَى أُمُورِكَ...»<sup>(۱۰)</sup>  
سپس در امور نویسندگان و منشیان به درستی بیندیش، و کارهایت را به بهترین آنان واگذار و نامه‌های محرمانه را، که در بردارنده سیاست‌ها و اسرار توست، از میان نویسندگان، به کسی اختصاص ده که صالح‌تر از دیگران باشد؛ کسی که گرمی داشتن، او را به سرکشی و تجاوز نکشاند تا در حضور دیگران با تو مخالفت کند، و در رساندن نامه کارگزارانت به تو یا رساندن پاسخ‌های تو به آنان کوتاهی نکند، و در آنچه برای تو می‌ستاید یا از طرف تو به آنان تحویل می‌دهد فراموش کار نباشد، و در تنظیم هیچ قراردادی سستی نورزد، و در برهم زدن قراردادی که به زیان توست کوتاهی نکند، و منزلت و قدر خویش را بشناسد. قطعاً آنکه از شناخت قدر خویش عاجز باشد، در شناخت قدر دیگران، جاهل‌تر است.

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۳۱)؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام رهبر اسلامی باید توانایی حکومت و علم به قانون الهی درباره آن داشته باشد:  
«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ حَلِيَّةً، وَ أَهْلَهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»<sup>(۸)</sup> ای مردم، سزاوارترین اشخاص به خلافت، کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر، و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد، تا اگر آشوبگری به فتنه‌انگیزی برخیزد به حق بازگردانده شود، و اگر سر باز زد با او مبارزه شود.

در حکمت ۱۱۰ نهج البلاغه هم می‌فرماید:

«لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يُتَّبِعُ الْمَطَامِعَ»؛ فرمان خدا را برپا ندارد جز آنکه در اجرای حق مدارا نکند، سازشکار نباشد، و پیرو آرزوها نگردد.

امام صادق علیه السلام درباره شرایط رهبر حکومت اسلامی در زمان غیبت فرمودند:

هر یک از شما که از ما حدیث نقل کند و با توجه به حلال و حرام ما، احکام ما را تشخیص دهد، باید حکمش پذیرفته شود، قطعاً من او را به عنوان حاکم شما منصوب نمودم. پس هرگاه به حکم ما حکم کند و کسی حکمش را نپذیرد، حکم خداوند را سبک شمرده و ما را رد کرده است، و کسی که ما را رد کند خداوند را رد کرده و این رد در حد شرک به خداوند متعال است.<sup>(۹)</sup>

ب. کارگزاران دولت

هر حکومتی کارگزاران و کارمندانی برای اجرای امور

## ج. قضات

یکی از مناصب حساس در هر حکومتی منصب قضاوت است. این منصب آنقدر مهم است که بدون آن، احقاق حقوق ستم‌دیدگان ناممکن بوده و گستره فعالیت آن، آنقدر زیاد است که امروزه یکی از قوای سه‌گانه را به خود اختصاص می‌دهد. این منصب، به ویژه در اسلام، مشروط به شرایط خاصی است. برخی از این شرایط در عهدنامه امیرمؤمنان علیه السلام به مالک اشتر بیان شده است:

«ثُمَّ اخْتَرْنَا لِحُكْمِ بَيْنِ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ...»<sup>(۱۱)</sup> سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسانی که مراجعه فراوان آنها را به ستوه نیاورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر، او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه کن کند، و در شناخت مطالب به تحقیقی اندک رضایت ندهد، و در شبهات از همه با احتیاط‌تر عمل کند، و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد، و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود، در کشف امور از همه شکیباتر، و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده‌تر باشد، کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد، و چرب‌زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندکند!

## د. مشاوران

مشورت یکی از دستورات دینی است که در اداره حکومت ضرورت بیشتری می‌یابد؛ زیرا امور حکومت و زمام‌داری آنقدر زیاد و متنوع است که یک فرد نمی‌تواند در تمام آنها متخصص و صاحب‌نظر باشد، بنابراین، باید

از نظر کارشناسان و مشاوران امین استفاده نماید. امیرمؤمنان علیه السلام به خاطر اهمیت و نقش مشاوران می‌فرماید:

بخیل را در مشورت کردن دخالت نده، که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد، و از تنگدستی می‌ترساند، ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرایز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است.<sup>(۱۲)</sup>

## ه. فرماندهان نظامی

هر حکومتی برای محافظت در برابر دشمنان، نیازمند نیروهای نظامی مؤمن و شجاع است. امیرمؤمنان علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر، در تعیین برخی شرایط مهم فرماندهان می‌فرماید:

«قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَتَّصِحِّهِمْ فِى نَفْسِكَ لِيْلِهِ وَ لِرِسُوْلِهِ  
وَلِيْلَامِيكَ،»

برای فرماندهی سپاه، کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر و امام تو بیشتر، و دامن او پاک‌تر و شکیبایی‌اش برتر باشد از کسانی که دیر به خشم آید، و سذرپذیرتر باشد و بر ناتوان رحمت آورد و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد.

## و. ناظران و بازرسان

همان‌گونه که برای هر کاری شرایط و صفاتی متناسب با آن لازم است، به طریق اولی برای ناظران و بازرسان نیز

دیگری که بر گزینش و انتخاب و نیز نظارت بر آن وجود دارد، دستور صریح به گزینش و انتخاب در متن دین، توسط معصومان علیهم السلام است. انتخاب و گزینش در اسلام و همچنین نظارت بر آن با تمام انتخابات در نظام‌های حقوقی و سیاسی دنیا متفاوت است؛ زیرا از دیدگاه اسلام، برای انتخاب کارگزاران حکومت اسلامی، باید در میان افراد صالح و شایسته، اصلح و شایسته‌ترین افراد را بر اساس مبانی، اهداف، اصول و معیارهای اسلامی انتخاب نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره انتخاب نکردن فرد اصلح و نتایج مترتب بر آن می‌فرمایند:

«من استعمل عاملاً من المسلمین و هو یعلم ان فیهم اولی بذلک منه و اعلم بکتاب الله و سنة نبیه فقد خان الله و رسوله و جمیع المسلمین»؛<sup>(۱۴)</sup> کسی که از میان مسلمانان، کسی را به کار گمارد و می‌داند که در میان آنان در آن زمینه، شایسته‌تر و داناتر از او به کتاب خدا و سنت پیامبر او وجود دارد، به خدا و پیامبر خدا و تمامی مسلمانان خیانت کرده است. از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حتی برای ده نفر نیز باید برترین فرد را به عنوان مشول انتخاب نمود:

هر کسی مردی را برای ریاست بر ده نفر به کار گیرد، در حالی که می‌داند در بین آن ده نفر، برتر از آن منتخب هم وجود دارد، حقیقتاً با خدا، رسول او و جامعه مسلمانان پیمان شکنی کرده است.<sup>(۱۵)</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام با صراحت، به انتخاب و گزینش کارگزاران دستور می‌دهند. از دیدگاه ایشان، برخی از راه‌کارهای انتخاب، «آزمون، تحقیق و مشورت» است:

«ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لَكَ، فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِيَارًا، وَلَا تُؤَلِّمْهُمْ مُحَابَاةً وَأَنْزَرَةً...»؛<sup>(۱۶)</sup> سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان

شرایطی به مراتب دقیق‌تر لازم است؛ زیرا ناظران، که بر انتخاب و عملکرد کارگزاران و کارمندان حکومت نظارت دارند، باید خود به مرتبه‌ای از رشد و کمال اخلاقی رسیده باشند که با توجه به نظارت ناظران الهی و با نظارت درونی اخلاقی، نیاز کمتری به نظارت داشته باشند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره شرایط ناظران می‌فرمایند:

«ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ، وَابْتِثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصُّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْنِهِمْ»؛<sup>(۱۳)</sup> سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفایه بر آنان بگمار.

بنابراین، همان‌گونه که انسان‌ها و توانایی‌هایشان متفاوت است، مناصب و مشاغل حکومتی نیز متفاوت است و هر یک به تناسب نوع و حدود اختیارات، شرایطی متناسب با آن لازم دارند. از این رو، اولاً باید برای هر شغل و منصبی شرایط ویژه‌ای متناسب با آن تعیین شود و به عبارت بهتر، بر اساس شرایطی که خداوند متعال، پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام تعیین نموده‌اند، باید بهترین قانون و آیین انتخاب و گزینش را استخراج و استنباط و کارگزاران و کارمندان حکومت را بر اساس آن انتخاب نمایند؛ ثانیاً، بر واگذاری این مناصب به اشخاص نظارت شود تا کسی که شرایط و صلاحیت انجام کاری را ندارد، به ناحق انتخاب نشود؛ زیرا اگر بر گزینش و انتخاب نظارت نشود، تعیین شرایط کاری لغو و بیهوده خواهد بود و علاوه بر آن، ناهلان و ناصالحان زمام امور را به دست خواهند گرفت و جامعه را به فساد و تباهی خواهند کشاند.

#### ۴. دستور صریح به گزینش و انتخاب

علاوه بر امانت بودن منصب و مسئولیت، نابرابری انسان‌ها، و تفاوت مناصب و مشاغل حکومتی، دلیل

همچون سابقه همکاری با امام داران صالح و شایسته باشد:  
 «ثُمَّ لَا يَكُنْ اِخْتِيَارُكَ اِيَّاهُمْ عَلَىٰ فِرَاسَتِكَ وَ اِسْتِيَانَتِكَ  
 وَ حَسَنِ الظَّنِّ بِتَمَك...»<sup>(۱۸)</sup> مبدا درگزینش نویسندگان و  
 منشیان، بر تیزهوشی و اطمینان شخصی و خوش باوری  
 خود تکیه نماید؛ زیرا افراد زیرک با ظاهرسازی و  
 خوش خدمتی، نظر زمام‌داران را به خود جلب  
 می‌نمایند، که در پس این ظاهرسازی‌ها، نه خیرخواهی  
 وجود دارد، و نه از امانت‌داری نشانی یافت می‌شود. اما  
 آنها را با خدماتی که برای زمام‌داران شایسته و پیشین  
 انجام داده‌اند، یازمای.

امیرالمؤمنین علیه السلام با یک معیار کلی، درباره انتخاب  
 رئیس‌ان تمام امور، خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند:  
 «وَاجْعَلْ لِرَأْسِ كُلِّ امْرِئٍ مِنْ اُمُورِكَ رَأْسًا مِثْلَهُمْ، لَا يَفْهَرُ  
 كَبِيرَهَا، وَلَا يَشْتَتُّ عَلَيْهِ كَبِيرَهَا»<sup>(۱۹)</sup> برای هر یک از  
 کارهایت، سرپرستی برگزین که بزرگی کار بر او چیرگی  
 نیابد و فراوانی کار او را درمانده نسازد.

از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، انتخابات مستقیم  
 توسط تمام مردم، امری ناممکن است و رأی و نظر  
 خبرگان و کارشناسان صالح، به عنوان یک راه کار انتخاب  
 کارگزاران، حجت شرعی و پذیرش آن بر تمام مردم، اعم  
 از حاضر و غایب واجب است:

به جانم سوگندا اگر شرط انتخاب رهبر، حضور تمامی  
 مردم باشد، هرگز راهی برای تحقق آن وجود نخواهد  
 داشت، بلکه آگاهان دارای صلاحیت و رأی و اهل حل و  
 عقد (خبرگان ملت) رهبر و خلیفه را انتخاب می‌کنند، که  
 عمل آنها نسبت به دیگر مسلمانان نافذ است، آن‌گاه نه  
 حاضران بیعت‌کننده حق تجدیدنظر دارند و نه آنان که  
 در انتخابات حضور نداشتند حق انتخابی دیگر خواهند  
 داشت.<sup>(۲۰)</sup>

بگمار، و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران  
 آنان را به کارها منصوب نکن؛ زیرا نوعی ستمگری  
 و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی  
 باتجربه و باحیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوا، که  
 در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛  
 زیرا اخلاقتشان گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و  
 طمع‌ورزشان کمتر و آینده‌نگریشان بیشتر است.

بر اساس معیارهای اسلامی، نه تنها انتخاب و گزینش  
 کارگزاران جدید باید مطابق با شایستگی و صلاحیت  
 باشد، بلکه نیروهایی که قبلاً انتخاب شده‌اند نیز باید  
 صلاحیت داشته باشند و در صورت عدم صلاحیت، باید  
 عزل گردند و افراد لایق و شایسته به جای آنها انتخاب  
 شود. به عبارت دیگر، نظارت بر کارگزاران تنها مربوط به  
 هنگام انتخاب آنها نیست، بلکه این نظارت باید مستمر  
 باشد و هرگاه یکی از آنان فاقد شرایط لازم گردید، باید از  
 کار برکنار شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

«وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبْلَلُنَّ بِلَبَلَةٍ، وَلَتَفْرَبَلُنَّ غَرْبَلَةً،  
 وَلَتَسَاطُنَّ سَوْطَ الْقَدْرِ، حَتَّىٰ يَعُودَ اَسْفَلُكُمْ اَعْلَاكُمْ،  
 وَ اَعْلَاكُمْ اَسْفَلَكُمْ، وَلَيَسْبِقَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرًا،  
 وَلَيَقْصُرَنَّ سَبَّاقُونَ كَانُوا سَبْقًا»<sup>(۱۷)</sup> سوگند به  
 خدایی که پیامبر را به حق مبعوث کرد! آزمایش  
 می‌شوید؛ همچون دانه‌ای که در غربال ریزند یا  
 غذایی که در دیگ گذارند؛ به هم خواهید ریخت و  
 زیر و رو خواهید شد تا آنکه پایین به بالا و بالا به  
 پایین رود. آنان که سابقه‌ای در اسلام داشتند و  
 تاکنون منزوی بودند، بر سر کار می‌آیند و آنها که به  
 ناحق پیشی گرفتند، عقب‌زده خواهند شد.

در انتخاب کارگزاران نباید به توانایی شخصی اکتفا  
 نمود، بلکه انتخاب باید بر اساس معیارهای متفاوتی

﴿وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴)؛ (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم عرض کرد: از دودمان من (نیز) امامانی قرار بده. خداوند فرمود: پیمان من به ستم‌کاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند).

۲. «صبر» که از صفات والای اخلاقی است و «یقین» به آیات الهی که درجه‌ای بالاتر از علم است، از معیارهایی هستند که خداوند متعال بر اساس آنها امام را انتخاب نموده است:

﴿وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَسْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوْقِنُونَ﴾ (سجده: ۲۴)؛ و از آنان، امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند.

۳. خداوند سبحان با رد ملاک ثروت، که خواست و معیار مردم بود، و انتخاب بر اساس شرایطی همچون توانایی علمی و قدرت جسمی، می‌فرماید:

﴿وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۴۷)؛ پیامبرشان به آنها [گروهی از بنی‌اسرائیل] گفت: خداوند طالوت را برای زمام‌داری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است. گفتند: چگونه او بر ما

از دیدگاه اسلام، نه تنها انتخاب برترین افراد یک واجب شرعی است، بلکه خود افراد نیز با وجود افراد برتر، نباید مسئولیتی بپذیرند؛ یعنی در صورتی که دیگران کسی را انتخاب نمودند، مسئولیت فرد مستخب ساقط نمی‌شود و با وجود اشخاص برتر، شرعاً حق پذیرش مسئولیت ندارد. پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه می‌فرمایند:

«من تقدم على قوم من المسلمين و هو يرى أن فيهم من هو أفضل منه فقد خان الله و رسوله و المسلمين»<sup>(۲۱)</sup> کسی که خود را بر گروهی از مسلمانان مقدم بدارد، در حالی که می‌داند در میان آنان برتر از او وجود دارد، به خداوند و رسول او و مسلمانان خیانت کرده است.

بنابراین از دیدگاه اسلام، گزینش و انتخاب اصلح و شایسته‌ترین یک دستور و واجب شرعی است و مخالفت با آن خیانت به خدا و پیامبر خدا و تمامی مسلمانان، و برای تضمین انتخاب شایسته‌ترین و تداوم این شایستگی، نظارت کامل و بی‌طرفانه لازم است.

#### ۵. انتخاب و گزینش خداوند متعال

خداوند متعال از میان انسان‌ها، بر اساس معیارهای ویژه‌ای، افراد خاصی را به پیامبری و امامت انتخاب کرده است. در انتخاب پیامبران و حاکمان، شرایط موردنظر و خواست مردم، که مخالف معیارها و ملاک‌های الهی بوده، نادیده گرفته و رد شده‌اند. برخی از معیارها و ملاک‌های الهی در قرآن کریم به صراحت بیان شده‌اند:

۱. خداوند متعال برای انتخاب نهایی پیامبران، آنها را در معرض امتحان‌ها و آزمایش‌های گوناگونی قرار داده و در صورت قبولی در آزمون الهی، به عنوان رهبر مردم انتخاب شده‌اند:

حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟ گفت: خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد می‌بخشد و احسانِ خداوند وسیع است و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است.

۴. «ایمان» و «عمل صالح» دو شرط اساسی کسانی هستند که خداوند وعده اعطای حکومت به آنها داده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَأُوْثِرُونَ لَهَا بِرَأْسِهِمْ رِيعًا رَّابِعًا فَذَلِكُمْ يَوْمُ الْمُجَادَّةِ﴾ (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، (آنچنان) که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، همان فاسقانند.

علّامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح هم دارند؛ به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و

امنیت را جایگزین ترسی که داشتند، می‌کند؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌هایشان بی‌می‌نداشتند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. پس در جمله ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ کلمه «مِن» تبعیضی خواهد بود، نه بیانی، و خطاب در آن به عموم مسلمین است که در میان آنان، هم منافق هست و هم مؤمن، و مؤمنین ایشان نیز دو طایفه‌اند: یکی کسانی که عمل صالح می‌کنند، و گروه دیگر آنان که عمل صالح ندارند، ولی وعده‌ای که در آن آمده مخصوص کسانی است که هم ایمان داشته باشند و هم اعمالشان صالح باشد و پس. (۲۲)

بنابراین، انتخاب الهی، که با عبارات‌هایی همچون «جَعَلَ» یعنی قرار داد (منصوب نمود) و «اصطفا» یعنی بهترین را انتخاب و گزینش نمود و «استخلف» یعنی به خلافت برگزید، بهترین دلیل بر انتخاب و گزینش شایسته‌ترین افراد است و باید با استخراج و استنباط این راه‌کار انتخاب و انتصاب الهی، کارگزاران و کارمندان حکومت را بر اساس آن تعیین نمود.

#### ۶. انتخاب و گزینش معصومان علیهم‌السلام

ثمره عدم تساوی توانایی و شایستگی‌های انسان‌ها تعیین شرایط متناسب با نوع کار و دستور انتخاب و گزینش، زمانی ظاهر می‌شود که این واقعیت در عزل و نصب‌ها رعایت شود و زمام‌داران و کارگزاران صالح و شایسته بر اساس شایستگی‌ها و توانایی‌ها، متناسب با ماهیت کار مورد نظر، انتخاب و نصب شوند. بر اساس سیره عملی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام انتخاب کارگزاران

سابقه‌تر، با رد ملاک سن و بزرگ‌سالی، به عنوان والی و حاکم مکه انتخاب کردند و خطاب به اهل مکه فرمودند: «... قد تلد محمد رسول الله عتاب بن اسید أحکامکم و مصالحکم، و قد فوض إلیه تنبیه غافلکم، و تعلیم جاهلکم، و تقویم أود مضطربکم، و تأدیب من زال عن أدب الله منکم لما علم من فضله علیکم من موالاة محمد رسول الله ﷺ، و من رجحانه فی التعصب لعلی ولی الله...» (۲۵) محمد [ﷺ] فرستاده خداوند، عتاب بن اسید را برای احکام و مصالح شما منصوب نمود و متوجه ساختن غافل و بی‌توجه شما و آموزش نادانستان، اصلاح انحراف مضطرب شما و تنبیه کردن کسی که ادب الهی را رها ساخته به او واگذار کرد، به دلیل برتری او بر شما از جهت دوستی محمد و آل محمد ﷺ و به دلیل مزیت او در طرف‌داری از علی ولی خدا، بنابراین، او برای ما خادم و برادر دینی و برای دوستان ما دوست و برای دشمنان ما دشمن و برای شما آسمانی سایه‌دار (پناهگاهی بزرگ) و زمینی پاک و حاصلخیز (پربرکت) و آفتابی درخشان (راهنما و هدایتگر) است. حقیقتاً خداوند به برکت دوستی و محبت او نسبت به محمد و علی و خاندان پاکش، او را بر تمام شما برتری داده است و او را به عنوان حاکم شما منصوب نمود. او بر اساس دستور و قانون خداوند عمل می‌نماید. پس خداوند همیشه به او توفیق خواهد بخشید. همان‌گونه که از دوستی محمد و علی، عزت و شرف و سهم او کامل شد. با رسول خدا توطئه نمی‌کند و بر او خروج نمی‌کند، بلکه فردی شایسته و امین است. پس هر یک از شما که

حکومت بر اساس مبانی، اهداف، اصول و معیارهای اسلامی و با توجه به لیاقت و شایستگی انسان‌ها، بدون توجه به ملاک‌هایی همچون سن و قبیله است. در ذیل، چند نمونه از عزل و نصب‌های پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی علیه السلام نقل می‌شود:

#### ۱. مصعب بن عمیر

وقتی أسعد بن زراره و ذکوان بن عبد قیس، که از قبیله خزرج بودند، برای عمره به مکه رفتند، با پیامبر اکرم ﷺ آشنا شدند و به نبوت ایمان آوردند و از آن حضرت درخواست نمودند تا کسی را برای آموزش قرآن و تبلیغ دین با آنها به مدینه بفرستد. پیامبر اکرم ﷺ نیز بدون در نظر گرفتن سن و تنها بر اساس شایستگی، نوجوانی به نام مصعب بن عمیر را برای این مأموریت مهم فرهنگی و تبلیغی انتخاب کردند و به مدینه فرستادند. (۲۳) مصعب بن عمیر نوجوانی بود که نزد پدر و مادرش در رفاه و تجمل زندگی کرده بود و او را تکریم می‌کردند و بر فرزندان‌شان ترجیح می‌دادند، وی حتی از مکه هم خارج نشده بود، ولی وقتی به اسلام ایمان آورد، والدینش او را آزار دادند و او با رسول خدا در «شعب ابی طالب» بود تا دگرگون شد و دچار رنج و مشقت گردید. پیامبر به او دستور دادند تا با اسعد خارج شود، در حالی که از قرآن بسیار بهره گرفته بود. سپس أسعد بن زراره و ذکوان بن عبد قیس همراه مصعب بن عمیر به مدینه رفتند و به قومشان رسیدند و آنها را از دستور و خبر رسول خدا ﷺ آگاه ساختند.

#### ۲. عتاب بن اسید

پیامبر اکرم ﷺ عتاب بن اسید را، که بیست سال و اندی (۲۴) بیشتر سن نداشت، با وجود افراد بزرگ‌تر و با

گفتند: این پسر بچه به عنوان فرمانده مهاجران با سابقه انتخاب شده است؟ وقتی این خبر به پیامبر رسید، ناراحت شدند و با وجود بیماری شدید، به مسجد رفتند و فرمودند:

به من گزارش داده‌اند که شما در فرمان‌دهی اسامه طعنه زدید (اعتراض کردید) و قبلاً در مورد فرماندهی پدرش این کار را کردید (طعنه‌های امروز شما همانند گذشته است). به خدا سوگند اسامه لایق و شایسته فرمان‌دهی است (باید از فرمان او اطاعت کنید) و پدرش نیز (در جنگ موته) شایسته آن بود و او از محبوب‌ترین مردم نزد من است. پس شما را به نیکی به او توصیه می‌کنم. همان‌گونه که در مورد فرمان‌دهی اسامه اعتراض می‌کنید، و در مورد فرمان‌دهی پدرش نیز اعتراض کردید. (۲۸)

حضرت پس از بازگشت از مسجد در بستر بیماری، به کسانی که به عیادت ایشان آمده بودند، بارها فرمود: مأموریت اسامه را اجرا کنید. خدا لعنت کند کسی را که از لشکر و فرمان او تخلف کند! (۲۹)

بنابراین، انتخاب اسامه به فرمان‌دهی بزرگان مهاجران و انصار و کسانی که خود از فرماندهان و رؤسا بوده‌اند، رد نمودن ملاک بزرگی سن و سال و حتی تجربه‌های مکرز و تأکید بر شایستگی و لیاقت هنگام واگذاری مسئولیت است.

#### ۴. عمر بن ابی سلمه

امیرمؤمنان علی علیه السلام، عمر بن ابی سلمه را فقط به دلیل شایستگی، برای امری مهم‌تر از فرمان‌دهی عزل نمودند: پس از یاد خدا و درود، من نعمان بن عجلان زرقی را به فرمان‌داری بحرین نصب کردم، و بی‌آنکه

به خوبی از وی اطاعت نماید باید منتظر پاداش عالی و هدیه‌ای بزرگ باشد! و هر که مخالف او باشد، باید منتظر عذابی شدید و خشم فرمانروایی باشد که نیرومند و فاتح است.

سپس مبنای ملاک برتری را در گزینش و انتخاب عتاب بن اسید بیان نمودند:

«لا یحتج محتج منکم فی مخالفتہ بصفیر سنہ، فلیس الاکبر هو الافضل، بل الافضل هو الاکبر، و هو الاکبر فی موالاتنا و موالاته اولیائنا، و معاداة أعدائنا، فلذلک جعلناه الامیر علیکم، و الرئیس علیکم»؛ (۲۶) نباید به دلیل سن کم با او مخالفت کنید؛ زیرا بزرگ‌تر برتر نیست، بلکه برتر بزرگ‌تر است و عتاب بن اسید در دوستی ما و دوستی با دوستان ما و دشمنی با دشمنان ما بزرگ‌تر است. پس به این دلایل، او را به عنوان امیر و رئیس شما منصوب نمودم.

#### ۳. اسامه بن زید (۲۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای عمر پربزرگشان به مردم دستور دادند تا مهیای جنگ با روم شوند. اسامه پسر زید را فراخواندند و او را، که کمتر از بیست سال (هفده تا بیست سال) سن داشت، با وجود بزرگان مهاجر و انصار، به عنوان فرمانده جنگ انتخاب کردند و دستور دادند تا به محلی که پدرش زید بن حارثه در جنگ «موته» کشته شده بود بروند. محله «جرف» برای تجمع لشکر تعیین شد و بزرگانی از مهاجران و انصار از جمله ابوبکر و عمر و طلحه و زبیر در لشکر او بودند. پیامبر پس از فرمان جنگ، بیمار شدند؛ ولی بر تشکیل و اعزام لشکر اسامه دستور مؤکد دادند. برخی از سن پایین اسامه ناراحت شدند و



سرزنش و نکوهشی برایت وجود داشته باشد، تو را از فرمان‌داری آن سامان گرفتم. به راستی، تاکنون زمام‌داری را به نیکی انجام داده‌ای و امانت را پرداخته‌ای. پس به سوی ما حرکت کن، بی آنکه مورد سوء ظن قرار گرفته یا سرزنش شده یا متهم بوده و یا گناه‌کار باشی، که تصمیم دارم به سوی ستمگران شام حرکت کنم. دوست دارم در این جنگ با من باشی؛ زیرا تو از دلاورانی هستی که در جنگ با دشمن و برپا داشتن ستون دین، از آنان یاری می‌طلبم. ان شاء الله. (۳۰)

#### ۵. محمّد بن ابی‌بکر

علی رضی الله عنه بر اساس توانایی و شایستگی متناسب با مسئولیت، محمّد بن ابی‌بکر را از فرمان‌داری مصر عزل کردند و مالک اشتر را به جای وی نصب نمودند: پس از یاد خدا و درود، به من خبر داده‌اند که از فرستادن اشتر به سوی محل فرمانداری‌ات، ناراحت شده‌ای. این کار را به دلیل کند شدن و سهل‌انگاری‌ات یا انتظار کوشش بیشتری از تو انجام ندادم. اگر تو را از فرمان‌داری مصر عزل کردم، فرماندار جایی قرار دادم که اداره آنجا بر تو آسان‌تر، و حکومت تو در آن سامان خوش‌تر است. (۳۱)

#### ۷. آثار مترتب بر نوع گزینش و انتخاب

انتخاب و گزینش کارگزاران در تمام امور جامعه مؤثر است. رشد و بالندگی یک جامعه و یا رکود، شکست و فروپاشی آن بستگی تام به مسئولان آن دارد. در این نوشتار، تنها به سه نمونه از آثار نوع انتخاب و نتایج

مترتب بر آن اشاره می‌شود:

۱. انتخاب و انتصاب ناهلان و عزل و کنار زدن شایستگان موجب عدم پیشرفت و عقب‌نشینی دولت‌ها می‌شود. امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه می‌فرماید:

«يستدل على إدار الدول بأربع تضييع الاصول و التمسك بالفور و تقديم الاراذل و تأخير الافاضل»؛ (۳۲) چهار چیز موجب عقب‌نشینی دولت‌ها می‌شود: ضایع کردن اصول، پایبند بودن به گمراه کردن و فریب دادن، مقدم داشتن افراد پست و بی‌ارزش، و کنار زدن افراد شایسته و ارزشمند.

در برخی روایات، به جای قید «التمسک بالفور» قید «التمسک بالفروع» یعنی پایبند بودن به فروع، ذکر شده است. (۳۳)

۲. وقتی حکومت از دست صالحان و شایستگان خارج شود و اراذل و ناهلان حاکم گردند، حکومت پیشرفت نمی‌کند و در نهایت، فرو می‌پاشد: «تولى الاراذل و الاحداث الدول دليل انحلالها و إدارها»؛ (۳۴) سرپرستی حکومت‌ها توسط افراد رذل و تازه به دوران رسیده، دلیل فروپاشی و عقب‌نشینی حکومت‌هاست.

۳. یکی از آثار یکسان‌نگری انسان‌ها، کاهش نیکوکاری و افزایش کارهای ناصواب است:

هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت، و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند. پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده. (۳۵)

#### نظارت کامل خداوند

اولین ناظر بر جهان هستی و انسان خداوند متعال است.

صراحت ذکر شده است:

﴿قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِينَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا  
قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي  
الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ (اعراف: ۱۲۹)؛ (قوم

موسی به او) گفتند: پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار

دیدیم، پس از آمدنت نیز آزار می‌بینیم. موسی گفت: امید

است پروردگارتان دشمن شمارا هلاک کند و شمارا در زمین

جانشین (آنها) سازد، و بنگرد چگونه عمل می‌کنید.

﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا  
وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ  
نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي  
الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ (یسونس:

۱۳ و ۱۴)؛ ما امت‌های پیش از شما را هنگامی که ظلم

می‌کردند، هلاک نمودیم، در حالی که پیامبران دلایل

روشن برای آنها آورده‌اند، ولی آنها ایمان نیاوردند.

این‌گونه گروه مجرمان را کیفر می‌دهیم. سپس شما را پس

از ایشان جانشینان آنها در روی زمین قرار دادیم تا ببینیم

شما چگونه عمل می‌کنید.

## ۲. شهادت خداوند

خداوند شاهد همه چیز و به طور خاص، شاهد عملکرد

انسان است و شهادت خداوند برای انسان کافی است:

- ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (حج: ۱۷)

- ﴿وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ﴾ (آل عمران: ۹۸)

- ﴿وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ (نساء: ۷۹/اسراء: ۹۶/رعد: ۴۳)

## ۳. مراقبت خداوند

خداوند مراقب همه چیز و به طور خاص، مراقب

عملکرد انسان است:

نظارت خداوند کامل‌ترین، دقیق‌ترین و

اطمینان‌بخش‌ترین نظارت‌هاست؛ زیرا او خالق تمام

هستی، عالم به تمام موجودات و اعمال و رفتار و نیات

آنان است و از قدرت ثبت و ضبط تمام آنها به طور کامل

برخوردار است.

بنابر نظارت کامل الهی، هیچ عملی از انسان در هیچ

حوزه فردی و یا اجتماعی بی‌نیاز از نظارت نیست؛

نظارت بر حوزه فردی و خصوصی انسان، اختصاص به

نظارت الهی دارد و هیچ انسانی حق ورود به حریم

خصوصی دیگران را ندارد؛ اما حوزه اجتماعی و عملکرد

عمومی انسان در جامعه، نیازمند نظارت کامل و دقیق

است و در تمام موارد، برای پیش‌گیری از تخلف و یا

برخورد با متخلفان، نظارت امری ضروری است. یکی از

امور مهم و سرنوشت‌ساز عمومی، نظارت بر گزینش و

انتخاب است. این نظارت با ادله متعدد و متفاوتی قابل

اثبات است و تمام موارد هفت‌گانه مزبور علاوه بر اینکه

مبانی اصل گزینش و انتخاب محسوب می‌شوند، از مبانی

نظارت بر گزینش و انتخاب نیز به شمار می‌روند. علاوه

بر مبانی هفت‌گانه نظارت، یک مبانی اختصاصی نظارت

و نیز نظارت بر انتخاب، نظارت کامل خداوند متعال بر

تمام اعمال و رفتار انسان است. نظارت خداوند با تعبیر

و واژگان متفاوتی در قرآن و روایات مطرح شده است؛

مانند ناظر، شاهد، مراقب، حافظ، محیط، بصیر و علیم.

برای تبیین نظارت خداوند متعال و قلمرو بی‌متناهی

نظارت او، به برخی از آیات نظارتی قرآن کریم اشاره

می‌شود:

## ۱. نظارت خداوند

نظارت خداوند بر عملکرد انسان در آیات ذیل به

- ﴿وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبًا﴾ (احزاب: ۵۲)  
 - ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (نساء: ۱)

- ﴿وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا﴾ (احزاب: ۱۲۶)  
 - ﴿إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُّحِيطٌ﴾ (آل عمران: ۱۲۰)

#### ۴. عین بودن خداوند

در برخی آیات نظارت خداوند با واژه «عین» و «اعین» بیان شده است:

- ﴿وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا﴾ (هود: ۳۷) در حضور و مشاهده ما و به دستور ما، کشتی بساز.  
 - ﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا﴾ (طور: ۴۸) بر حکم پروردگارت صبر کن که تو منظور نظر مایی.  
 - ﴿تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِّمَن كَانَ كُفْرًا﴾ (قمر: ۱۴) آن کشتی که زیر نظر ما حرکت می‌کرد، کیفری بود برای کسانی که کافر شده بودند.

#### ۸. حفیظ و حافظ بودن خداوند

خداوند حافظ همه چیز است و بهترین حافظ نیز اوست:

- ﴿رَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيزٌ﴾ (سبا: ۲۱)  
 - ﴿قَالَ اللَّهُ خَيْرَ حَافِظًا﴾ (یوسف: ۶۴)

#### ۹. حسیب بودن خداوند

خداوند محاسبه‌کننده همه چیز است و محاسبه او کافی است:

- ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾ (نساء: ۸۶)  
 - ﴿وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (نساء: ۶)

#### ۵. بصیر بودن خداوند

خداوند به همه چیز، به بندگانش و به آنچه انجام می‌دهند بصیر و آگاه است:

- ﴿إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾ (ملک: ۱۹)  
 - ﴿وَاللَّهُ بِصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ (آل عمران: ۱۵)  
 - ﴿إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره: ۱۱۰)

#### ۱۰. علم خداوند

علم بی‌متهای خداوند و مصادیق بسیاری از آن در آیات متعددی بیان شده و این نشانگر آن است که هیچ نیت و گفتار و کرداری از علم خداوند پنهان نمی‌ماند و در نتیجه، نظارت کامل و بی‌بدیلی از ناحیه خالق هستی، اعمال می‌گردد.

خداوند به هر چیز علم دارد و علیم بودن او کافی است:

- ﴿إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾  
 - ﴿وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا﴾ (انفال: ۷۵)

خداوند به هر عمل و فعلی علم دارد:

- ﴿وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ (یوسف: ۱۹)  
 - ﴿وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ (نور: ۴۱)

خداوند به آنچه در آسمان‌ها و زمین است، به سرّ و غیب آسمان‌ها و زمین، به آنچه به زمین وارد یا از آن

#### ۵. خبیر بودن خداوند

خداوند به بندگانش و به آنچه انجام می‌دهند، خبیر و آگاه است:

- ﴿إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا﴾ (اسراء: ۹۶)  
 - ﴿إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (مائده: ۸)

#### ۷. محیط بودن خداوند

خداوند به همه چیز و به اعمال انسان احاطه دارد:

خداوند همه چیز، به ویژه عملکرد انسان را می بیند:

﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾ (علق: ۱۴)؛ آیا او ندانست

که خداوند (همه اعمالش) را می بیند.

- ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ

وَالْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (توبه: ۱۰۵)؛ بگو عمل

کنید. خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را

می بینند و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار،

بازگردانده می شوید و شما را به آنچه عمل

می کردید، خبر می دهد.

### نتیجه

با توجه به مبانی عقیدتی و انسان شناسی اسلامی و هدفی

که اسلام برای انسان تعیین نموده است، یعنی رشد و

تکامل همه جانبه و رسیدن به سعادت و قرب الهی، در

اسلام حاکمان و مدیران متناسب با این مبانی و اهداف،

انتخاب و گزینش می شوند و بر این اساس، ملاک های

گزینش در اسلام با سایر ادیان و نظام ها متفاوت است؛

زیرا اولاً، اعتقاد به امانت بودن منصب، مقتضی

امانت داری و واگذاری آن به افراد امین است. ثانیاً، نتیجه

عدم تساوی انسان ها برتری برخی بر برخی دیگر و

ضرورت انتخاب افراد برتر و شایسته تر است. ثالثاً، لازمه

تعیین شرایط احراز آنهاست. رابعاً، امر و دستور صریح به

گزینش و انتخاب، موجب وجوب شرعی آن می شود.

خامساً، انتخاب و گزینش خداوند متعال و معصومان (علیهم السلام)

الگویی راهگشا و دلیل شرعی روشنی بر انتخاب صالحان

و شایستگان است. سادساً، نتایج مهمی که بر نوع انتخاب

مترتب می شود، ضرورت انتخاب صحیح و

خارج می شود و آنچه از آسمان نازل می شود و به سوی  
آن می رود، علم دارد:

- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾.

(حجرات: ۱۶)

- ﴿يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾. (فرقان: ۶)

- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾.

(حجرات: ۱۸)

- ﴿يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا

يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا﴾. (سبا: ۲۴)

خداوند به آنچه در نفس و قلب و سینه انسان است،

علم دارد:

- ﴿أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ﴾ (بقره: ۲۳۵)

- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ﴾ (احزاب: ۵۱)

- ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾. (آل عمران: ۱۱۹)

خداوند به پنهان و آشکار، اظهار و کتمان، مخفی و

علنی، غایب و حاضر، محل حرکت و قرارگاه، گذشته و

حال و آینده، آنچه در دریا و خشکی است و ... علم دارد:

- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ﴾ (نحل: ۱۹)

- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ (مائده: ۹۹)

- ﴿إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى﴾ (اعلی: ۷)

- ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا

يُعْلِنُونَ﴾ (نمل: ۷۴)

- ﴿إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ﴾

(انبیاء: ۱۱۰)

- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ﴾ (محمّد: ۱۹)

- ﴿وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ﴾ (ممتحنه: ۱)

- ﴿يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ﴾ (انعام: ۳)

- ﴿عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾ (انعام: ۷۳)

- ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾ (بقره: ۲۵۵)

- ﴿يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ﴾ (انعام: ۵۹)

شایسته سالارانه را آشکارتر می‌سازد.

بنابراین، تمام موارد هفت‌گانه مزبور، هم مبانی اصل انتخاب و گزینش و انتخابات هستند و هم مبانی نظارت بر انتخاب و گزینش محسوب می‌شوند؛ زیرا هیچ‌یک از این موارد بدون نظارت دقیق و مستقل تحقق نمی‌یابد و ضمانت اجرای آنها نظارتی کامل و بی‌طرفانه است. علاوه بر مبانی هفت‌گانه، نظارت کامل خداوند متعال مبنای دیگری برای نظارت بر انتخاب و انتخابات محسوب می‌شود.

- ۱۱- همان، ن ۵۳.
- ۱۲- همان، ن ۵۳.
- ۱۳- همان، ن ۵۳.
- ۱۴- احمد بن الحسین بن علی البیهقی، السنن الکبری (بیروت، دارالفکر، بی‌تا)، ج ۱۰، ص ۱۱۸.
- ۱۵- غلامحسین مجیدی، نهج الفصاحة (نرم‌افزار مدینه‌العلم، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیة اصفهان)، ج ۲، حرف الواو، الوالی، ۶۴۳۲.
- ۱۶- نهج البلاغه، ن ۵۳.
- ۱۷- همان، خ ۱۶.
- ۱۸- همان، ن ۵۳.
- ۱۹- همان.
- ۲۰- همان، خ ۱۷۳.
- ۲۱- عبدالحسین امینی، الغدیر (بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ق)، ج ۸، ص ۲۹۱، به نقل از: باقلانی، التمهید، ص ۱۹۰.
- ۲۲- سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۰۹.
- ۲۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار (بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳)، ج ۱۹، ص ۱۰۸.
- ۲۴- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۳۵، ص ۷، به نقل از: ابن الاثیر، اسد الغابة (تهران، اسماعیلیان، بی‌تا)، ج ۳، ص ۳۵۸.
- ۲۵- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۲۱، ص ۱۲۲-۱۲۳ / علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول (قم، دارالحديث، ۱۴۱۹)، ج ۲، ص ۶۶۱.
- ۲۶- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۲۱، ص ۱۲۲-۱۲۳ / علی احمدی میانجی، پیشین، ج ۲، ص ۶۶۱.
- ۲۷- رک. محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۲۱، ص ۴۱۰؛ ج ۲۸، ص ۱۷۸ / ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۵۲.
- ۲۸- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۲۸، ص ۱۷۸.
- ۲۹- ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج ۶، ص ۵۲.
- ۳۰- نهج البلاغه، ن ۴۲.
- ۳۱- همان، ن ۳۴.
- ۳۲- عبدالواحد بن تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم (نرم‌افزار باب‌العلم)، مواعظ للحاکم، ش ۷۸۳۵.
- ۳۳- محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه (قم، دارالحديث، ۱۳۷۵)، ج ۲، ص ۹۳۶ / علی بن محمد البی‌ی واسطی، عیون الحکم و المواعظ (قم، دارالحديث، ۱۳۷۶)، ص ۵۵۰.
- ۳۴- عبدالواحد بن تمیمی آمدی، پیشین، عمال الدولة، ص ۷۹۲۵.
- ۳۵- نهج البلاغه، ن ۵۳.

#### پی‌نوشت‌ها .....

- ۱- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی (قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴)، ج ۴، ص ۶۰۳.
- ۲- همان، ص ۶۱۳.
- ۳- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (نرم‌افزار باب‌العلم، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیة قم)، ن ۵.
- ۴- همان، ن ۲۶.
- ۵- سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۸، ص ۱۴۸.
- ۶- مرتضی مطهری، مجموعه آثار (تهران، صدرا، ۱۳۷۷)، ج هشتم، ج ۱ (عدل الهی)، ص ۱۲۵.
- ۷- همان، ص ۱۴۳.
- ۸- نهج البلاغه، خ ۱۷۳.
- ۹- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۶۷.
- ۱۰- همان، ن ۵۳.